

رابطه ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی در نمونه‌ای از زوجین ایرانی:
نقش تعدیل کننده سبک‌های دلبستگی^۱

The relationship between fear of intimacy and marital satisfaction in a sample of Iranian couples: moderating role of attachment styles

Mohammad Ali Besharat

محمد علی بشارت*

Abstract

Marital satisfaction is considered as one of the determinant factors of mental health and life satisfaction within couples' relationship. Can attachment styles and fear of intimacy have an influence on couples' marital satisfaction? In response to this question, the present study was designed to investigate the moderating role of attachment styles in the relationship of fear of intimacy with marital satisfaction. All participants (237 males, 277 females) were asked to complete the Adult Attachment Inventory (AAI), Fear of Intimacy Scale (FIS), and Glombok-Rust Inventory of Marital State Questionnaire (GRIMS). The results showed that fear of intimacy had a significant negative correlation with marital satisfaction, whereas secure attachment had a significant positive correlation with marital satisfaction and insecure attachment styles had significant negative correlations with marital satisfaction. Results of regression analysis indicated that secure, avoidant, and ambivalent attachment styles had moderating effects on the relationship between fear of intimacy and marital satisfaction. Secure and insecure internal working models provide intrapersonal and interpersonal

چکیده

رضایت زناشویی، یکی از متغیرهای تعیین کننده سلامت روانی و خوشنودی زوجین از زندگی است. آیا سبک‌های دلبستگی و ترس از صمیمیت می‌توانند رضایت زناشویی زوجین را تحت تاثیر قرار دهند؟ پژوهش حاضر، در پاسخ به این پرسش، نقش تعدیل کننده سبک‌های دلبستگی در رابطه بین ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی را مورد بررسی قرار داد. از شرکت کنندگان در پژوهش (۲۳۷ مرد، ۲۷۷ زن) خواسته شد که مقیاس دلبستگی بزرگسال (AAI)، مقیاس ترس از صمیمیت (FIS) و پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبک-راست (GRIMS) را تکمیل کنند. نتایج پژوهش نشان داد که ترس از صمیمیت با رضایت زناشویی منفی معنادار دارد؛ سبک دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی همبستگی مثبت معنادار و سبک‌های دلبستگی نایمن با رضایت زناشویی همبستگی منفی معنادار دارند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در رابطه بین ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی نقش تعدیل کننده دارند. مدل‌های درونکاری ایمن و نایمن از طریق استقرار روان‌سازه‌ها و بازخوردهای بنیادین مثبت یا منفی نسبت به مادر (و سپس دیگران)، مؤلفه‌های درون شخصی و بین شخصی

۱. این تحقیق در قالب طرح پژوهشی شماره ۵۱۰۶۰۰۳/۱/۴۷ با استفاده از اعتبارات پژوهشی دانشگاه تهران انجام شده است.
* استاد دانشگاه تهران

components of intimacy or fear of intimacy in relation with others. These are developed through basic positive or negative schemas and attitudes towards mother first and towards important others later in life. It is concluded that the relationship between fear of intimacy and marital satisfaction is not a simple linear association but it is influenced by attachment styles.

برقراری روابط صمیمی یا دیگران یا ترس از صمیمیت را فراهم می‌سازند. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که رابطه بین ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی یک رابطه خطی ساده نیست و سبک‌های دلبستگی می‌توانند این رابطه را تحت تاثیر قرار دهند.

واژه‌های کلیدی: پیوند عاطفی، تنظیم عاطفه، رابطه بین شخصی، ازدواج، خانواده

Keywords: emotional bond, affect regulation, interpersonal relationship, marriage, family

مقدمه

گیلیس (۱۹۹۵) رضایت زناشویی^۱ را معادل ارزیابی کلی ذهنی فرد از رابطه زناشویی و میزان برآورده شدن نیازها، خواسته‌ها و آرزوهای شخصی و زوجی در این رابطه تعریف کرده است. پژوهش‌ها نشان داده اند که متغیرهای متعدد مانند محبت، تعهد، اعتماد متقابل، احترام، حمایت، وفاداری، علایق مشترک، درک متقابل، صمیمیت، نگران یکدیگر بودن و توجه کردن، مبادله متقابل احساسات و افکار و تجربیات، و ارتباط موثر^۲ با رضایت زناشویی رابطه دارند (السون و السون، ۲۰۰۰؛ راگ و برادبری، ۱۹۹۹؛ کاسلو و رابینسون، ۱۹۹۶؛ تولر و فیینی، ۲۰۰۲؛ ونجلیستی، ریس و فیزپاتریک، ۲۰۰۲). داشتن ارتباط خوب، نقشی تعیین کننده در ایجاد احساس امنیت برای زوجین دارد (استنلی، مارکمن و ویتون، ۲۰۰۲). بیان عواطف^۳، میزان صمیمیت زوجین را افزایش می‌دهد و یکی از عوامل اصلی در تمایز زوج‌های راضی از ناراضی محسوب می‌شود (کاترین و تیمرمن، ۲۰۰۳؛ مارستون، هخت، مانک، مک دانیل و ریدر، ۱۹۹۸؛ والدینگر، شولتز، هانر و آلن، ۲۰۰۴؛ یام و کناری، ۲۰۰۳). ابراز متقابل عواطف در زوجین، احساس حمایت شدن را ایجاد می‌کند و خودآشکارسازی^۴ بیشتر در رابطه را به دنبال دارد (سندرسون و ایونس، ۲۰۰۱). لیبرت و پارکر (۲۰۰۱) نشان دادند که خودآشکارسازی زوجین با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد. کوردوا، گی و ورن (۲۰۰۵) نیز به این نتیجه رسیدند که مهارت‌های عاطفی^۵ و توانایی ابراز هیجان‌ها با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد. همدلی^۶، به این علت که به زوجین کمک می‌کند تا یکدیگر را بهتر درک کنند و بفهمند، رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد (بارنس، شام، جوریج و بولمن، ۱۹۸۴؛ کیلیپاتریک، بیسونت و راسبولت، ۲۰۰۲؛ ویلکه، فری و راتکلیف، ۱۹۹۸). با توجه به نقش تعیین کننده متغیرهایی مانند صمیمیت، ابراز احساسات و عواطف و همدلی بر رضایت زناشویی، می‌توان این مساله را مطرح کرد که اگر به هر دلیل این متغیرها تضعیف شوند یا دچار اختلال گردند، رضایت زناشویی زوجین

1. marital satisfaction
2. effective communication
3. expression of affection
4. self-disclosure
5. emotional skillfulness
6. empathy

نیز تحت تاثیر قرار خواهد گرفت. برای بررسی این مساله در پژوهش حاضر، رابطه ترس از صمیمیت^۱ و سبک‌های دلبستگی^۲ با رضایت زناشویی زوجین مطالعه می‌شود.

پژوهش‌های انجام شده در زمینه رضایت زناشویی نشان می‌دهند که صمیمیت متغیری مهم و تعیین کننده در میزان رضایت زوجین است (برمن و لیف، ۱۹۷۵). شافر و السون (۱۹۸۱)، صمیمیت را بر حسب مؤلفه‌های ابراز عواطف و احساسات، تبادل افکار و تجربه‌ها، سازگاری، تعلق و تعهد، تمایل جنسی، حل کردن تعارض‌ها، خودپیروی و هویت تعریف می‌کنند. پراگر (۱۹۸۶) معتقد است که صمیمیت مستلزم تعاملات صمیمی و ظرفیت و زمینه صمیمیت^۳ است. تعاملات صمیمی ابعاد عاطفی، شناختی و رفتاری دارند. بعد رفتاری شامل به اشتراک گذاشتن (کلامی و غیر کلامی) ابعاد خصوصی و شخصی زندگی است. بعد شناختی بیانگر معیارها، فرض‌ها و خواسته‌های هر یک از زوجین در مورد ارتباط صمیمی است و درک کردن و درک شدن را تأمین می‌کند. بعد عاطفی، احساسات مثبتی است که زوجین در حین تعاملاتشان نسبت به خود و همسرشان دارند و منعکس کننده نیاز هر یک از زوجین به صمیمیت و ترس و نگرانی از فقدان آن است. زمینه و ظرفیت صمیمیت طبق نظر پراگر به ظرفیت هر یک از زوجین برای صمیمیت اشاره دارد و رفتارهایی مانند گوش دادن فعال، بیان همدلانه، توانایی بیان تجربیات درونی، و توانایی شنیدن و درک کردن تجربیات دیگری را شامل می‌شود.

وقتی ظرفیت و توانمندی فرد برای ابراز صمیمیت تحلیل رود، ترس از صمیمیت شکل می‌گیرد. دسکاتر و ثلن (۱۹۹۱)، ترس از صمیمیت را به منزله ظرفیت محدود فرد برای به اشتراک گذاشتن افکار و احساسات شخصی با فردی مهم و نزدیک، مثل همسر، معرفی می‌کنند. ترس از صمیمیت که ابعاد مختلف عاطفی، شناختی و رفتاری صمیمیت را تحت تاثیر قرار می‌دهد، روابط زوجین و رضایت زناشویی آنها را به شدت مختل می‌کند (ثلن، وندر- وال، مویر- توماس، هارمون، ۲۰۰۰). با افزایش ترس از صمیمیت، برقراری و تداوم ارتباط، احساس مثبت نسبت به روابط نزدیک و ابراز احساسات و عواطف با مشکل مواجه می‌شود و در نتیجه رضایت از رابطه و زناشویی کاهش می‌یابد (دسکاتر و ثلن، ۱۹۹۱). گرچه پژوهش‌های موجود در زمینه ترس از صمیمیت محدود هستند، با استناد به یافته‌های آنها می‌توان پیش بینی کرد که ترس از صمیمیت در پژوهش حاضر نیز رابطه‌ای منفی با رضایت زناشویی داشته باشد. اما مسئله اصلی در پژوهش حاضر، یافتن پاسخ تجربی برای این پرسش است که آیا رابطه ترس از صمیمیت با رضایت/نارضایتی زناشویی یک رابطه ساده است یا متغیرهای روان شناختی دیگر این رابطه را تحت تاثیر قرار می‌دهند؟ بر این اساس و در چهارچوب پژوهش حاضر، نقش تعدیل کننده سبک‌های دلبستگی در رابطه بین ترس از صمیمیت با رضایت/نارضایتی زناشویی بررسی خواهد شد. نظریه پرداز اصلی دلبستگی^۴، جان بالبی (۱۹۶۹، ۱۹۷۳، ۱۹۸۰)، براساس مشاهده‌ی ویژگی‌های

1. fear of intimacy
2. attachment styles
3. context of intimacy
4. attachment

روابط مادر- کودک در موقعیت‌های مختلف به این نتیجه رسید که پیوندهای مادر (مراقب)- کودک مسئول تنظیم تجربه‌های عاطفی و رفتاری کودک هستند. طبق نظر بالبی (۱۹۶۹)، نوزادان موقع تولد به یک سیستم رفتاری و انگیزشی دارای مبنای زیستی مجهز هستند که برای تامین مجاورت به مادر تکامل یافته است. بالبی (۱۹۶۹) معتقد بود که میزان دسترس پذیری^۱ و پاسخدهی^۲ مستمر به تلاش‌های کودک برای رسیدن به آرامش و امنیت، کیفیت و سبک دلبستگی کودک به مادر را تعیین می‌کند. رابطه‌ی مادر- کودک محور آرامش و امنیت کودک است. تجربه‌ی رابطه‌ی مثبت و پاسخگو با مادر، مقدمه‌ی لازم برای اکتشافگری^۳ و سازش^۴ بهنجار است. تهدیدهای مداوم علیه توازن این رابطه‌ی متقابل هدفمند به مشخصه‌های کمتر سازش یافته‌ی کودک در رابطه‌ی کودک- مادر و در نهایت به تاثیرگذاری بر توانمندی کودک در برقراری رابطه با دنیای خارج منجر می‌شود.

بین سبک دلبستگی مادر- نوزاد و مدل رابطه رمانتیک فرد در بزرگسالی رابطه وجود دارد (هازن و شیور، ۱۹۸۷). هازن و شیور (۱۹۸۷) با استفاده از سبک‌های دلبستگی تدوین شده توسط اینسورث، بلهار، واترز و وال (۱۹۷۸) سه سبک دلبستگی بزرگسالی را مطرح کردند: ایمن^۵، اجتنابی^۶، دوسوگرا^۷. بزرگسالان دارای سبک دلبستگی ایمن، روابط صمیمی خود را شاد، دوستانه، قابل اعتماد و برخوردار از احساس همدلی، حمایت و پذیرش توصیف کردند؛ ویژگی‌هایی که باعث تداوم طولانی‌تر رابطه در مقایسه با سبک‌های اجتنابی و دوسوگرا می‌شوند. ویژگی برجسته‌ی بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اجتنابی، ترس از صمیمیت و نگرانی از روابط دوستانه بود، در حالی که دوسوگراها با دلمشغولی و سواسی نسبت به صمیمیت و تلاش برای «یکی شدن» با دیگری مشخص شدند (هازن و شیور، ۱۹۸۷). سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی هم رابطه دارد (برنان و شیور، ۱۹۹۵؛ بشارت، ۱۳۸۰ الف، ۲۰۰۳؛ فولر و فینچام، ۱۹۹۵؛ فیینی، ۱۹۹۶). این محققان، همبستگی‌های مثبت بین سبک دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی و رابطه منفی بین سبک نایمن و رضایت زناشویی را نشان دادند.

از سوی دیگر، یافته‌های پژوهشی نشان داده اند که سبک‌های دلبستگی بر کیفیت صمیمیت و ترس از صمیمیت تاثیر دارند. بر اساس نتایج این پژوهش‌ها (بشارت و فیروززی، ۱۳۸۵؛ ثلن و همکاران، ۲۰۰۰؛ دوی و ثلن، ۱۹۹۳)، افراد دارای سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا بیشتر از افراد دارای سبک دلبستگی ایمن در روابط دوستانه و رمانتیک دچار ترس از صمیمیت می‌شوند. این محققان معتقدند که مدل‌های درونکاری^۸ ایمن و نایمن که در چارچوب روابط دلبستگی نوزاد - مادر شکل می‌گیرند از طریق

1. accessibility
2. responsiveness
3. exploration
4. adaptation
5. secure
6. avoidant
7. ambivalent
8. internal working models

استقرار روان‌سازه‌ها^۱ و بازخوردهای^۲ بنیادین مثبت و منفی نسبت به مادر (و سپس دیگران)، و ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی^۳ و نوروژگرای^۴، زمینه‌های توانمندی یا ناتوانمندی فرد در برقراری روابط صمیمی را فراهم می‌سازند.

با استناد به یافته‌های پژوهشی در زمینه روابط بین سبک‌های دلبستگی، صمیمیت، ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی از یک سو و اهمیت نقش روابط نزدیک و صمیمی در بهزیستی، سلامت روانی و رضایت از زندگی زوجین از سوی دیگر، هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش تعدیل‌کننده سبک‌های دلبستگی در رابطه بین ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی بود. نتایج این پژوهش اکتشافی، که گامی است فراتر از روابط ساده بین این متغیرها، به شناخت کامل‌تر و بهتر روابط این متغیرها کمک می‌کند. بر این اساس فرضیه‌های پژوهش به این شرح بررسی می‌شوند: (۱) ترس از صمیمیت با رضایت زناشویی رابطه منفی دارد؛ (۲) سبک دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد؛ (۳) سبک‌های دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) با رضایت زناشویی رابطه منفی دارند؛ (۴) سبک‌های دلبستگی در رابطه بین ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی نقش تعدیل‌کننده دارند.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، زوجین متاهل شهر تهران بودند. تعداد ۵۳۰ زن و مرد تهرانی از جمعیت عمومی به صورت داوطلب در دسترس در این پژوهش شرکت کردند. شرایط لازم برای شرکت در پژوهش عبارت بودند از: الف) رضایت داوطلب برای شرکت در پژوهش، ب) داشتن حداقل مدرک تحصیلی دیپلم، ج) نداشتن بیماری روانپزشکی و یا پزشکی مستلزم مصرف دارو در زمان انجام پژوهش. پس از تشریح اهداف پژوهش و آماده شدن داوطلبان برای پاسخ‌گویی به پرسشنامه‌ها، مقیاس دلبستگی بزرگسال^۵ (AAI؛ بشارت، ۱۳۸۴، ۲۰۱۱)؛ مقیاس ترس از صمیمیت^۶ (FIS؛ دسکانترو و ثلن، ۱۹۹۱) و پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک-راست^۷ (GRIMS؛ راست، بنان، کرو و گلوبوک، ۱۹۸۶) در اختیار آنها قرار گرفت. شرکت‌کنندگان به صورت انفرادی پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند و مدت زمان لازم برای پاسخ‌گویی به پرسشنامه‌ها حدود ۴۰ دقیقه بود. به منظور کنترل اثر ترتیب و خستگی، مقیاس‌ها به تناسب با ترتیب‌های متفاوت ارائه شدند. تعداد ۱۶ آزمودنی به دلیل پاسخ ناقص به مقیاسها از تحلیل‌های آماری کنار گذاشته شدند و بدین ترتیب نمونه‌ی پژوهش به ۵۱۴ نفر (۳۳۷ مرد، ۲۷۷ زن)

1. schema
2. attitudes
3. extraversion
4. neuroticism
5. Adult Attachment Inventory (AAI)
6. Fear of Intimacy Scale (FIS)
7. The Golombok Rust Inventory of Marital State Questionnaire (GRIMS)

تقلیل یافت. میانگین سنی کل آزمودنیها ۳۵/۱۰ سال با دامنه ۲۱ تا ۵۲ سال و انحراف استاندارد ۹/۱۳، میانگین سن مردان ۳۶/۳۳ سال با دامنه ۲۱ تا ۵۲ سال و انحراف استاندارد ۹/۸۵ و میانگین سن زنان ۳۴ سال با دامنه ۲۱ تا ۴۹ سال و انحراف استاندارد ۸/۳۳ بود.

ابزار سنجش

مقیاس دل‌بستگی بزرگسال (AAI): مقیاس دل‌بستگی بزرگسال، که با استفاده از مواد آزمون دل‌بستگی هازن و شیور (۱۹۸۷) ساخته و در مورد نمونه‌های دانشجویی، دانش‌آموزی و جمعیت عمومی ایرانی هنجاریابی شده است (بشارت، ۱۳۸۴، ۲۰۱۱). یک آزمون ۱۵ سؤالی است و سه سبک دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (خیلی کم= ۱، کم= ۲، متوسط= ۳، زیاد= ۴، خیلی زیاد= ۵) می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در زیرمقیاس‌های آزمون به ترتیب ۵ و ۲۵ خواهد بود. ضرایب آلفای کرونباخ پرسش‌های زیر مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه (۱۴۸۰ = n ، ۶۲۰ زن، ۸۶۰ مرد) برای کل آزمودنیها به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۴، ۰/۸۵؛ برای زنان ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۸۴؛ و برای مردان ۰/۸۴، ۰/۸۵، ۰/۸۶ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی^۱ خوب مقیاس دل‌بستگی بزرگسال است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های یک نمونه‌ی ۳۰۰ نفری از آزمودنیها در دو نوبت با فاصله‌ی چهار هفته برای سنجش پایایی بازآزمایی^۲ محاسبه شد. این ضرایب در مورد سبک‌های دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای کل آزمودنیها به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳، ۰/۸۴؛ برای زنان ۰/۸۶، ۰/۸۲، ۰/۸۵؛ و برای مردان ۰/۸۸، ۰/۸۳، ۰/۸۳ محاسبه شد که نشانه پایایی بازآزمایی رضایت بخش مقیاس است. روایی محتوایی^۳ مقیاس دل‌بستگی بزرگسال با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره‌های پانزده نفر از متخصصان روانشناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال برای سبک‌های دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۵۷ محاسبه شد. روایی همزمان^۴ مقیاس دل‌بستگی بزرگسال از طریق اجرای همزمان مقیاس‌های "مشکلات بین شخصی" و "حرمت خود کوپر اسمیت" در مورد یک نمونه‌ی ۳۰۰ نفری از آزمودنیها ارزیابی شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره آزمودنیها در سبک دل‌بستگی ایمن و زیر مقیاس‌های مشکلات بین شخص همبستگی منفی معنادار (از $r = -0/61$ تا $r = -0/83$) و با زیر مقیاس‌های حرمت خود همبستگی مثبت معنادار (از $r = -0/39$ تا $r = -0/41$) وجود دارد. بین نمره آزمودنیها در سبک‌های دل‌بستگی نایمن و زیر مقیاس‌های مشکلات بین شخص همبستگی مثبت معنادار (از $r = -0/26$ تا $r = -0/45$) و با زیر مقیاس‌های حرمت خود همبستگی منفی و اما غیرمعنادار به دست آمد. این نتایج نشان دهنده‌ی روایی کافی مقیاس دل‌بستگی بزرگسال است. نتایج تحلیل عوامل نیز با تعیین سه عامل

1. internal consistency
2. test-retest reliability
3. content validity
4. concurrent validity

سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی دوسوگرا، روایی سازه^۱ مقیاس دلبستگی بزرگسال را مورد تایید قرار داد (بشارت، ۱۳۸۴، ۲۰۱۱).

مقیاس ترس از صمیمیت (FIS): این مقیاس یک آزمون ۳۵ سوالی است که ترس از صمیمیت در روابط نزدیک و رمانتیک را می‌سنجد. سوال‌های مقیاس، ترس از صمیمیت آزمودنی را در اندازه‌های پنج درجه‌ای لیکرت (۱= اصلاً این طور نیستم؛ ۲= کمی این طور هستم؛ ۳= در حد متوسط این طور هستم؛ ۴= تا حد زیادی این طور هستم؛ ۵= کاملاً این طور هستم) از نمره ۳۵ (حداقل نمره) تا نمره ۱۷۵ (حداکثر نمره) می‌سنجد. در اعتباریابی مقدماتی فرم فارسی این مقیاس در مورد یک نمونه از دانشجویان متاهل (بشارت، ۱۳۸۳) آلفای کرونباخ پرسش‌ها ۰/۹۱ بود که نشانه همسانی درونی بالای مقیاس است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله چهار هفته $I = 0/87$ بود که نشانه ی پایایی بازمیابی بالای فرم فارسی مقیاس است. مشخصه‌های روان‌سنجی^۲ مقیاس ترس از صمیمیت در پژوهش‌های خارجی مورد تایید قرار گرفته است (دسکاتر و ثن، ۱۹۹۱).

پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک- راست (GRIMS)

پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبوک- راست (راست و همکاران، ۱۹۸۶) یک مقیاس ۲۸ سوالی است. پرسش‌ها در مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت، مشکلات موجود در روابط زناشویی زوجین را از نمره صفر تا سه در زمینه می‌زان حساسیت^۳ و توجه زوجین نسبت به نیازهای یکدیگر، تعهد^۴ و وفاداری^۵، مشارکت^۶، همدردی^۷، ابراز محبت، اعتماد، صمیمیت^۸ و همدلی زوجین می‌سنجد. حداقل نمره‌ی آزمودنی در این مقیاس صفر و حداکثر نمره ۸۴ خواهد بود. نمره‌ی تراز شده‌ی آزمودنی‌ها در ۹ درجه بر حسب شدت و ضعف مشکلات زناشویی محاسبه می‌شود. در فرم فارسی این پرسشنامه نمره کل مقیاس با آلفای کرونباخ ۰/۹۲ برای نمونه‌ای از زنها و ۰/۹۴ برای شوهرها محاسبه شد که نشانه‌ی همسانی درونی بالای پرسشنامه است (بشارت، ۱۳۸۰ ب). ضرایب همبستگی بین نمره‌های آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله‌ی دو هفته برای کل آزمودنی‌ها $I = 0/77$ ، آزمودنی‌های زن $I = 0/73$ و آزمودنی‌های مرد $I = 0/75$ نشانه‌ی پایایی بازمیابی خوب پرسشنامه است.

یافته‌ها

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار نمره‌های مربوط به سبک‌های دلبستگی، ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی را در دو گروه مردان و زنان نشان می‌دهد.

1. construct validity
2. psychometric
3. sensitivity
4. commitment
5. loyalty
6. cooperation
7. sympathy
8. intimacy

جدول ۱
میانگین و انحراف معیار نمره‌های شرکت کنندگان در مورد سبک‌های دل بستگی،
ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی

متغیر	مردان		زنان		کل	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
دل بستگی ایمن	۱۵/۵۶	۳/۴۶	۱۵/۵۰	۲/۹۲	۱۵/۵۳	۳/۱۷
دل بستگی اجتنابی	۱۲/۶۹	۳/۶۱	۱۲/۵۶	۳/۵۰	۱۲/۶۲	۳/۵۵
دل بستگی دوسوگرا	۱۰/۹۸	۳/۲۵	۱۱/۰۸	۳/۳۰	۱۱/۰۴	۳/۲۸
ترس از صمیمیت	۶۹/۱۸	۲۰/۱۲	۷۱/۶۱	۲۰/۱۹	۷۰/۵۳	۲۰/۱۴
رضایت زناشویی	۵۶/۲۶	۱۰/۲۸	۵۵/۰۸	۱۱/۶۹	۵۵/۶۰	۱۱/۰۹

ماتریس همبستگی‌های پیرسون بین متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است. بر اساس متغیرهای جدول ۲، ترس از صمیمیت، سبک دل بستگی اجتنابی، سبک دل بستگی ایمن و سبک دل بستگی دوسوگرا به ترتیب بیشترین تا کمترین ضریب همبستگی را با رضایت زناشویی دارند. تمامی ضرایب همبستگی معنادار هستند. این نتایج، فرضیه‌های اول تا سوم پژوهش را تایید می‌کنند.

جدول ۲
ضرایب همبستگی بین سبک‌های دل بستگی، ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی

متغیرها	۱	۲	۳	۴
۱- سبک دل بستگی ایمن	۱			
۲- سبک دل بستگی اجتنابی	-۰/۶۵	۱		
۳- سبک دل بستگی دوسوگرا	-۰/۲۴	۰/۴۷	۱	
۴- ترس از صمیمیت	-۰/۳۳	۰/۳۴	۰/۳۳	۱
۵- رضایت زناشویی	۰/۴۸	-۰/۵۱	-۰/۴۵	-۰/۶۱

همبستگی‌ها در سطح ۰/۰۱ معنادار هستند.

نتایج تحلیل رگرسیون تعدیلی به منظور بررسی نقش تعدیل کننده سبک دل بستگی ایمن در رابطه بین ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی در جدول ۳ ارائه شده است. نتایج تحلیل رگرسیون در مدل ۱ نشان می‌دهد که رابطه متغیرهای ترس از صمیمیت و دل بستگی ایمن ۰/۶۷ است و ۰/۴۵ درصد از واریانس نمرات رضایت زناشویی را به طور معنادار تبیین می‌کند. مدل ۲ اندازه رابطه بین متغیرهای پیش بین ترس از صمیمیت و سبک دل بستگی ایمن را پس از ورود اثر تعدیل کننده دل بستگی ایمن نشان می‌دهد. مقایسه مدل ۱ و ۲ نشان می‌دهد که دل بستگی ایمن ۰/۰۵ درصد R^2 را به صورت معنادار افزایش داده است ($\Delta R^2 = ۰/۰۴۷$, $\Delta F = ۵۶/۱۵$, $p = ۰/۰۰۱$). مدل ۳ نشان می‌دهد که ۰/۰۵ درصد از واریانس مشاهده شده در نمرات رضایت زناشویی بر اثر نقش تعدیل کننده سبک دل بستگی ایمن تبیین می‌شود.

جدول ۳

نتایج تحلیل رگرسیون تعدیلی به منظور بررسی نقش تعدیل‌کننده سبک دلبستگی ایمن در رابطه بین ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی

مدل	R	R ²	R ² تعدیل‌شده	ΔR ²	ΔF	P
۱	۰/۶۷۵	۰/۴۵۶	۰/۴۵۴	۰/۴۵۶	۳۴۷/۰۱	۰/۰۰۱
۲	۰/۷۰۹	۰/۵۰۳	۰/۵۰۱	۰/۰۴۷	۵۶/۱۵	۰/۰۰۱

مدل ۱- متغیرهای پیش بین: ترس از صمیمیت و دلبستگی ایمن

مدل ۲- متغیرهای پیش بین: ترس از صمیمیت، دلبستگی ایمن و اثر تعدیل‌کننده دلبستگی ایمن

ضرایب استاندارد و غیر استاندارد تحلیل رگرسیون در جدول ۴ ارائه شده است. این ضرایب نشان می‌دهند که اثر تعدیل‌کننده دلبستگی ایمن ($\beta = -0/475, t = -7/49, p = 0/001$) می‌تواند به طور معنادار واریانس رضایت زناشویی را تبیین کند.

جدول ۴

ضرایب استاندارد و غیر استاندارد تحلیل رگرسیون نقش تعدیل‌کننده سبک دلبستگی ایمن در رابطه ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی

مدل	B	SE	β	t	p
ترس از صمیمیت	-۰/۰۵۹	۰/۰۳۴	-۰/۱۰۷	-۱/۷۴	۰/۰۸۲
دلبستگی ایمن	۲/۳۴	۰/۱۸۷	۰/۶۳۸	۱۱/۹۶	۰/۰۰۱
اثر تعدیل‌کننده دلبستگی ایمن	-۰/۰۱۶	۰/۰۰۲	-۰/۴۷۵	-۷/۴۹	۰/۰۰۱

نتایج تحلیل رگرسیون تعدیلی به منظور بررسی نقش تعدیل‌کننده سبک دلبستگی اجتنابی در رابطه بین ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی در جدول ۵ ارائه شده است. نتایج تحلیل رگرسیون در مدل ۱ نشان می‌دهد که رابطه متغیرهای ترس از صمیمیت و دلبستگی اجتنابی ۰/۶۹ است و ۰/۴۷ درصد از واریانس نمرات رضایت زناشویی را به طور معنادار تبیین می‌کند. مدل ۲ اندازه رابطه بین متغیرهای پیش بین ترس از صمیمیت و سبک دلبستگی اجتنابی را پس از ورود اثر تعدیل‌کننده دلبستگی اجتنابی نشان می‌دهد. مقایسه مدل ۱ و ۲ نشان می‌دهد که دلبستگی اجتنابی ۰/۰۴ درصد ($R^2 = 0/040, \Delta F = 49/15, p = 0/001$)، مدل ۲ نشان می‌دهد که ۰/۰۴ درصد از واریانس مشاهده شده در نمرات رضایت زناشویی بر اثر نقش تعدیل‌کننده سبک دلبستگی اجتنابی تبیین می‌شود.

جدول ۵

نتایج تحلیل رگرسیون تعدیلی به منظور بررسی نقش تعدیل کننده سبک
دل بستگی اجتنابی در رابطه بین ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی

مدل	R	R ²	R ² تعدیل شده	ΔR ²	ΔF	P
۱	۰/۶۸۹	۰/۴۷۴	۰/۴۷۳	۰/۴۷۴	۲۶۶/۲۴	۰/۰۰۱
۲	۰/۷۱۸	۰/۵۱۵	۰/۵۱۲	۰/۰۴۰	۴۹/۱۵	۰/۰۰۱

مدل ۱- متغیرهای پیش بین: ترس از صمیمیت و دل بستگی اجتنابی

مدل ۲- متغیرهای پیش بین: ترس از صمیمیت، دل بستگی اجتنابی و اثر تعدیل کننده دل بستگی اجتنابی

ضرایب استاندارد و غیر استاندارد تحلیل رگرسیون در جدول ۶ ارائه شده است. این ضرایب نشان می‌دهند که اثر تعدیل کننده دل بستگی اجتنابی ($\beta = -0.0707, t = -7.01, p = 0.001$) می‌تواند به طور معنادار واریانس رضایت زناشویی را تبیین کند.

جدول ۶

ضرایب استاندارد و غیر استاندارد تحلیل رگرسیون نقش تعدیل کننده سبک
دل بستگی اجتنابی در رابطه بین ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی

مدل	B	SE	β	t	P
ترس از صمیمیت	-۰/۰۶۶	۰/۰۳۴	-۰/۱۱۹	-۱/۹۵	۰/۰۵۲
دل بستگی اجتنابی	۰/۳۴۶	۰/۲۳۴	۰/۱۱۰	۱/۵۴	۰/۱۲۴
اثر تعدیل کننده دل بستگی اجتنابی	-۰/۰۱۷	۰/۰۰۲	-۰/۷۰۷	-۷/۰۱	۰/۰۰۱

نتایج تحلیل رگرسیون تعدیلی به منظور بررسی نقش تعدیل کننده سبک دل بستگی دوسوگرا در رابطه بین ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی در جدول ۷ ارائه شده است. نتایج تحلیل رگرسیون در مدل ۱ نشان می‌دهد که رابطه متغیرهای ترس از صمیمیت و دل بستگی دوسوگرا ۰/۶۶ است و ۰/۴۳ درصد از واریانس نمرات رضایت زناشویی را به طور معنادار تبیین می‌کند. مدل ۲ اندازه رابطه بین متغیرهای پیش بین ترس از صمیمیت و سبک دل بستگی دوسوگرا را پس از ورود اثر تعدیل کننده دل بستگی دوسوگرا نشان می‌دهد. مقایسه مدل ۱ و ۲ نشان می‌دهد که دل بستگی دوسوگرا ۰/۰۵ درصد R^2 را به صورت معنادار افزایش داده است ($\Delta R^2 = 0.048, \Delta F = 55.44, p = 0.001$). مدل ۲ نشان می‌دهد که ۰/۰۶ درصد از واریانس مشاهده شده در نمرات رضایت زناشویی بر اثر نقش تعدیل کننده سبک دل بستگی دوسوگرا تبیین می‌شود.

جدول ۷

نتایج تحلیل رگرسیون تعدیلی به منظور بررسی نقش تعدیل کننده سبک دلبستگی دوسوگرا در رابطه بین ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی

مدل	R	R ²	R ² تعدیل شده	ΔR^2	ΔF	P
۱	۰/۶۶۲	۰/۴۲۸	۰/۴۳۶	۰/۴۲۸	۲۳۰/۱۱	۰/۰۰۱
۲	۰/۶۹۸	۰/۴۸۷	۰/۴۸۴	۰/۰۴۸	۵۵/۴۴	۰/۰۰۱

مدل ۱- متغیرهای پیش بین: ترس از صمیمیت و دلبستگی دوسوگرا

مدل ۲- متغیرهای پیش بین: ترس از صمیمیت، دلبستگی دوسوگرا و اثر تعدیل کننده دلبستگی دوسوگرا

ضرایب استاندارد و غیر استاندارد تحلیل رگرسیون در جدول ۸ ارائه شده است. این ضرایب نشان می‌دهند که اثر تعدیل کننده دلبستگی دوسوگرا ($\beta = ۰/۷۹۶, t = ۵/۵۲, p = ۰/۰۰۱$) می‌تواند به طور معنادار واریانس رضایت زناشویی را تبیین کند.

جدول ۸

ضرایب استاندارد و غیر استاندارد تحلیل رگرسیون نقش تعدیل کننده سبک دلبستگی دوسوگرا در رابطه بین ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی

مدل	B	SE	β	t	P
ترس از صمیمیت	-۰/۰۷۸	۰/۰۲۳	-۰/۱۴۱	-۲۰/۳۸	۰/۰۱۸
دلبستگی دوسوگرا	۰/۷۵۲	۰/۲۵۱	۰/۲۲۲	۲/۹۹	۰/۰۰۳
اثر تعدیل کننده دلبستگی	-۰/۰۲۰	۰/۰۰۳	-۰/۷۴۹	-۷/۴۵	۰/۰۰۱

بحث

در این پژوهش ابتدا رابطه‌ی ترس از صمیمیت و سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی مشخص و سپس نقش تعدیل کننده سبک‌های دلبستگی در رابطه بین ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی بررسی شد. نتایج پژوهش نشان داد که ترس از صمیمیت و سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با رضایت زناشویی رابطه‌ی منفی معنادار و سبک دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی رابطه‌ی مثبت معنادار دارند. نتایج پژوهش همچنین نشان داد که سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا می‌توانند رابطه بین ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی را تعدیل کنند. این نتایج که فرضیه‌های پژوهش را تایید می‌کنند و با یافته‌های پژوهش‌های قبلی (برنان و شیور، ۱۹۹۵؛ بشارت، ۱۳۸۰ الف، ۲۰۰۳؛ بشارت و فیروز، ۱۳۸۵؛ فولر و فینچام، ۱۹۹۵؛ فینی، ۱۹۹۶؛ می‌کولینسر و شیور، ۲۰۰۳) مطابقت دارند، بر حسب

احتمالات زیر تبیین می‌شوند:

جوهر ماندگار و تاثیرگذار سبک دلبستگی، مدل درونکاری است؛ مجموعه‌ای از روان‌سازه‌ها که در آنها خود، دیگران و روابط آنها، مخصوصاً در زمینه‌ی دلبستگی نشان داده می‌شوند. طبق نظر بالی (۱۹۶۹، ۱۹۷۳) مدل‌های درونکاری در چهارچوب تعامل نوزاد- مادر به منزله‌ی معادل‌های روانشناختی کیفیت این رابطه تشکیل می‌شوند. کنش اصلی این مدل‌ها، تسهیل توانایی فرد در رمزگردانی تعامل‌ها و پیش‌بینی صحیح رفتار «دیگران» (افراد مهم) و احساس، اندیشه و رفتار «خود» در پاسخ به آن است. برای مثال، اگر نگاره‌ی دلبستگی حمایتگر و آرامش بخش باشد، مدل درونکاری کودک از «دیگری» (مادر)، مبین والدی مهربان خواهد بود و مدل درونکاری کودک از «خود» بیانگر فردی شایسته‌ی حمایت و مهربانی. برعکس، اگر نگاره‌ی دلبستگی طرد کننده باشد و نتواند در موقعیت‌های استرس زا باعث آرامش کودک شود، کودک نه تنها مدل درونکاری طرد کننده از والد می‌سازد، که «خود» را نیز شایسته‌ی حمایت و مهربانی نمی‌بیند (بشارت، ۱۳۹۱). مدل‌های درونکاری ایمن که در چهارچوب روابط دلبستگی نوزاد- مادر شکل می‌گیرند از طریق استقرار روان‌سازه‌ها و بازخوردهای بنیادین مثبت نسبت به مادر (و سپس دیگران) زمینه‌های درون شخصی^۱ و بین شخصی^۲ برقراری روابط صمیمی با دیگران را فراهم می‌سازند (بالی، ۱۹۶۹، ۱۹۷۳، ۱۹۸۰؛ هازن و شیور، ۱۹۸۷). مدل‌های درونکاری ایمن در بعد درون شخصی تصویر فردی شایسته‌ی حمایت و مهربانی از «خود» می‌سازد و در بعد بین شخصی تصویر فردی حمایتگر و مهربان از «دیگری» برای فرد می‌سازد. هر یک از این ابعاد و تصاویر، فرد دارای سبک دلبستگی ایمن را برای برقراری روابط صمیمی آماده می‌سازند. به علاوه، این دو بعد بر حسب تأثیر متقابل، یکدیگر را تقویت می‌کنند و آمادگی فرد برای مبادله‌ی صمیمیت را افزایش می‌دهند. برعکس، مدل‌های درونکاری نالیمن از طریق استقرار روان‌سازه‌ها و بازخوردهای بنیادین منفی نسبت به مادر (سپس دیگران) در بعد درون شخصی تصویر فردی فاقد شایستگی برای حمایت و مهربانی از «خود» می‌سازد و در بعد بین شخصی تصویر فردی طرد کننده و نامهربان از «دیگری» برای فرد می‌سازد. این دو بعد نایبستگی و نالیمنی، موضع فرد را در برقراری روابط صمیمی تضعیف و ترس وی از صمیمیت را توجیه می‌کنند. تأثیر متقابل این ابعاد که یکدیگر را در جهت منفی تقویت می‌کنند، ترس فرد از برقراری روابط صمیمی را مضاعف می‌سازند (بشارت و فیروزی، ۱۳۸۵). بر این اساس، رابطه مثبت و منفی سبک‌های دلبستگی ایمن و نالیمن و ترس از صمیمیت با رضایت و ناراضیاتی از روابط زناشویی توجیه می‌شود.

یکی از عوامل تاثیرگذار بر ناراضیاتی زوجین ترس از صمیمیت است (ثلن و همکاران، ۲۰۰۰). ترس از صمیمیت، با محدود سازی ظرفیت و توان ارتباطی فرد، مخصوصاً در حوزه عواطف و احساسات، زمینه‌های ناراضیاتی زوجین را فراهم می‌سازد (دسکاتنر و ثلن، ۱۹۹۱). ترس از صمیمیت باعث می‌شود که زوجین همواره نگران پویا شدن تعارض‌های عاطفی پیرامون صمیمیت باشند و نتوانند عواطف خود را

1. intrapersonal
2. interpersonal

ابراز کنند. ابراز عواطف، به عنوان عامل اصلی رشد صمیمیت (کاترین و تیمرمن، ۲۰۰۳؛ مارستون و همکاران، ۱۹۹۸؛ والدینگر و همکاران، ۲۰۰۴؛ یام و کناری، ۲۰۰۳) یکی از شاخص‌های رضایت و ناراضیاتی زوجین در روابط زناشویی است. از سوی دیگر، ابراز متقابل عواطف در زوجین، با احساسات امنیت و حمایت همراه است و خودآشکارسازی بیشتر زوجین را باعث می‌شود (سندرسون و ایونس، ۲۰۰۱). یافته‌های پژوهشی نشان داده اند که رفتار خودآشکارسازی زوجین با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد (لیبرت و پارکر، ۲۰۰۱).

صمیمیت، مهارت‌های عاطفی و توانایی ابراز هیجان‌ها را افزایش می‌دهد (کوردوا و همکاران، ۲۰۰۵). همدلی، به عنوان یکی از این توانمندی‌ها، به زوجین کمک می‌کند تا بکدیگر را بهتر درک کنند و با این مکانیسم رضایت آنها از زناشویی افزایش یابد (بارنس و همکاران، ۱۹۸۴؛ کوردوا و همکاران، ۲۰۰۵؛ کیلپاتریک و همکاران، ۲۰۰۲؛ ویلکه و همکاران، ۱۹۹۸). ترس از صمیمیت، بر عکس، مهارت‌های عاطفی، از جمله توان همدلی، را تضعیف می‌کند و باعث کاهش رضایت زوجین در حوزه روابط زناشویی می‌شود.

نتایج پژوهش نشان داد که سبک‌های دلبستگی می‌توانند رابطه بین ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی را تعدیل کنند. یکی از مؤلفه‌های صمیمیت، آشکارسازی و ابراز کردن هیجان‌ها و افکار است. ناایمنی دلبستگی، موجب ناتوانی فرد در تبادل باورها، نگرش‌ها و هیجان‌ها با دیگری می‌شود (تیمرمن، ۱۹۹۱) و بدین طریق، دلبستگی ناایمن می‌تواند اثرات منفی ترس از صمیمیت بر رضایت زناشویی را افزایش دهد. دلبستگی ایمن، بر عکس، اثرات منفی ترس از صمیمیت بر رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد و به تقویت رضایت زناشویی کمک می‌کند.

نگرش مثبت و اعتماد به خود و دیگران از ویژگی‌های اصلی سبک دلبستگی ایمن، در مقابل نگرش منفی و بی‌اعتمادی نسبت به خود و دیگران از ویژگی‌های اصلی سبک‌های دلبستگی ناایمن است (اینسورث و همکاران، ۱۹۷۸؛ بارتولومئو و هورویتز، ۱۹۹۱؛ تامسون - پوپ و تورکات، ۱۹۹۳). این ویژگی‌ها که به منزله‌ی مدل‌های درون‌نگاری مثبت و منفی محسوب می‌شوند، زمینه‌های شکل‌گیری سازگاری یا ناسازگاری در روابط بین شخصی را فراهم می‌سازند. براین اساس، سبک دلبستگی ایمن با نگرش مثبت و اعتماد به خود و دیگران، رابطه بین ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد، و سبک دلبستگی ناایمن، بر عکس، با منفی‌نگری و بی‌اعتمادی به خود و دیگران (در سبک اجتنابی) و به خود (در سبک دوسوگرا)، رابطه بین ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی را تقویت می‌کند. به عبارت دیگر، اجتناب از صمیمیت و فاصله گرفتن از دیگران که از ویژگی‌های افرا اجتنابگر است، عاملی مهم در ایجاد ناراضیاتی زوجی محسوب می‌شود. هرچه فرد ناایمن تر باشد، تمایلش برای نزدیک شدن به دیگری و تجربه صمیمیت در رابطه کمتر می‌شود و بدین طریق دلبستگی اجتنابی می‌تواند اثر منفی ترس از صمیمیت بر رضایت زناشویی را تشدید کند. این وضعیت در افراد دوسوگرا با نزدیکی بیش از حد به دیگران، موجبات ناراضیاتی را فراهم می‌سازد.

تعامل عاطفی یکی از عوامل مهم در ایجاد رضایت در رابطه است (کاترین و تیمرمن، ۲۰۰۳؛ مارستون و

همکاران، ۱۹۹۸؛ والدینگر و همکاران، ۲۰۰۴؛ یام و کناری، ۲۰۰۳). ابراز متقابل عواطف منجر به فراهم آمدن فضای امن و خودآشکارسازی بیشتر در رابطه می‌شود. افراد اجتنابگر، با مدل‌های درونکاری منفی نسبت به خود و دیگران، در روابط بین شخصی، افرادی سرد هستند و توانایی شان در ایجاد صمیمیت محدود است (کاترین و تیمرمن، ۲۰۰۳). یکی از عوامل مهمی که موجب ایجاد صمیمیت در رابطه می‌شود خودآشکارسازی است، یعنی بیان عواطف و افکار برای دیگری (ساندرسون و ایونس، ۲۰۰۱). با توجه به این که دشواری در بیان و ابراز هیجان‌ها یکی از ویژگی‌های افراد اجتنابگر است، نایمی دل‌بستگی می‌تواند با اثر منفی بر تعامل عاطفی زوجین، گرایش و توانایی زوجین را در ابراز هیجان‌ها و نیازها برای یکدیگر کاهش دهد و بدین طریق رضایت زناشویی را تضعیف نماید. دوسوگراها، بر عکس اجتنابگرها، با مدل‌های درونکاری منفی نسبت به خود و مثبت نسبت به دیگران، برای صمیمیت عاطفی و روابط نزدیک با دیگران ارزش اضافی قابل هستند و به پذیرش دیگران برای حس بهزیستی شخصی وابسته اند (بارتولومئو و هورویتز، ۱۹۹۱؛ بالبی، ۱۹۶۹، ۱۹۸۸؛ هازن و شیور، ۱۹۸۷). این سبک دل‌بستگی، نیاز به توجه طلبی، حمایت طلبی و مراقبت جویی یک سویه را در افراد دوسوگرا تقویت می‌کند؛ نیازی که اصرار بر رضای آن از سوی فرد دوسوگرا باعث رنجش و نارضایتی طرف دیگر رابطه می‌شود و رضایت را کاهش می‌دهد.

نتیجه‌گیری

از دستاوردهای این پژوهش می‌توان در دو سطح نظری و عملی به این شرح نتیجه‌گیری کرد: در سطح نظری، نتایج این پژوهش می‌توانند به شناخت بهتر عوامل ایجاد کننده و همبسته‌های نارضایتی زناشویی کمک کنند. یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند نتایج پژوهش‌های پیشین و نظریه‌های مربوط به رابطه ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی، و همچنین رابطه این متغیرها با سبک‌های دل‌بستگی را تأیید کند و پرسش‌ها و فرضیه‌های جدیدی مطرح سازد. نمونه‌ای از این پرسش‌ها عبارتند از: چه متغیرهای دیگری می‌توانند نقش تعدیل کننده یا واسطه‌ای در رابطه ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی داشته باشند؟ در سطح پیامدهای عملی، یافته‌های پژوهش حاضر می‌توانند مبنای تجربی مناسب برای تدوین برنامه‌های آموزشی و بهداشتی در چارچوب روابط مادر-کودک، برنامه‌های مداخله و مدیریت هیجانها، و برنامه‌های درمانی مبتنی بر تقویت و استحکام روابط صمیمی زوجین قرار گیرد. محدودیت جامعه‌ی آماری پژوهش و نوع پژوهش، محدودیت‌هایی را در زمینه‌ی تعمیم یافته‌ها، تفسیرها و اسنادهای علت شناختی متغیرهای مورد بررسی مطرح می‌کند که باید در نظر گرفته شوند. نمونه‌ی مورد بررسی در این پژوهش یک نمونه از جمعیت عمومی ساکن در شهر تهران بوده که به طور داوطلب در پژوهش شرکت کرده اند و در تعمیم یافته‌ها به سایر جمعیت‌ها باید احتیاط شود. برای بررسی دقیق تر رابطه‌ی ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی در زمینه‌ی بررسی نقش تعدیل کننده و واسطه‌ای متغیرهای مهم دیگر، مثل راهبردهای مقابله و مکانیسم‌های دفاعی، در رابطه‌ی ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی انجام شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود به منظور شناخت بهتر تأثیرات

آسیب‌زای ترس از صمیمیت بر روابط بین شخصی و رضایت زناشویی، رابطه‌ی این دو متغیر در نمونه‌های بالینی شامل نمونه‌های مبتلا به اختلال‌های روانشناختی، اختلال‌های شخصیت و مشکلات خانوادگی و بین شخصی، مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۰الف). بررسی رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی با مشکلات زناشویی در زوجین ناباور. *فصلنامه‌ی تازه‌های روان‌درمانی*، ۱۷ و ۱۸، ۶۶-۵۵.
- بشارت، محمد علی (۱۳۸۰ب). بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه وضعیت زناشویی گلوبیک - راست. گزارش پژوهشی. دانشگاه تهران.
- بشارت، محمد علی (۱۳۸۳). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس ترس از صمیمیت. گزارش پژوهشی. دانشگاه تهران.
- بشارت، محمد علی (۱۳۸۴). *هنجاریابی مقیاس دلبستگی بزرگسال*. گزارش پژوهشی. دانشگاه تهران.
- بشارت، محمد علی (۱۳۹۱). مبانی درمانی نظریه دلبستگی، رویش روان‌شناسی، ۱، ۳۸-۱۵.
- بشارت، محمدعلی؛ فیروزی، منیژه (۱۳۸۵). سبک‌های دلبستگی و ترس از صمیمیت. *مجله‌ی علوم روانشناختی*، ۱۷، ۱۵-۵.

References

- Ainsworth, M. D. S., Blehar, M. C., Waters, E., & Wall, S. (1978). *Patterns of attachment: a psychological study of the strange situation*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Bartholomew, k., & Horowitz, L.M. (1991). Attachment styles among young adults: A test of four-category model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61, 226-244.
- Berman, E. M., & Lief, H. L. (1975). Marital therapy from a psychiatric perspective: An overview. *American Journal of Psychiatry*, 132. 583-592.
- Besharat, M. A. (2003). Relation of attachment style with marital conflict. *Psychological Reports*, 92, 1135-1140.
- Besharat, M. A. (2011). Development and validation of Adult Attachment Inventory. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 30, 475-479.

- Barnes, H. L., Schumm, W. R., Jurich, A. P., & Bollman, S. R. (1984). Marital satisfaction: Positive regard versus effective communications as explanatory variables. *The Journal of Social Psychology, 123*, 71-78.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Vol. I. Attachment*. New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1973). *Attachment and loss: separation*. New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1980). *Attachment and loss: sadness and depression*. New York: Basic Books.
- Brennan, K. A., & Shaver, P. R. (1995). Dimensions of adult attachment, affect regulation, and romantic relationship functioning. *Personality and Social Psychology Bulletin, 21*, 267-283.
- Cordova, J. V., Gee, C. B., & Warren, L. Z. (2005). Emotional skillfulness in marriage: Intimacy as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction. *Journal of Social and Clinical Psychology, 24*, 218-235.
- Descutner, C. J., & Thelen, M. H. (1991). Development and validation of a Fear-of-Intimacy Scale. *Journal of Counseling and Clinical Psychology, 3*, 218-225.
- Doi, S., & Thelen, M. (1993). The Fear-of-Intimacy Scale: Replication and extension. *Psychological Assessment, 5*, 377-383.
- Feeney, J. A. (1996). Attachment, caregiving, and marital satisfaction. *Personal Relationships, 3*, 401-416.
- Fuller, T. L., & Fincham, F. D. (1995). Attachment style in married couples: Relation to current marital functioning, stability over time, and method of assessment. *Personal Relationships, 2*, 17-34.
- Gelles, R. J. (1995). *Contemporary families: A sociological view*. Thousand Oaks: Sage
- Hazan, C., & Shaver, P. R. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology, 52*, 511-524.
- Kaslow, F., & Robinson, J. A. (1996). Long-term satisfying marriages: Perceptions of contributing factors. *The American Journal of Family Therapy, 24*, 153-70.
- Kathryn, D., & Timmerman, L. (2003). Accomplishing romantic relationship. In J. O. Greene & B. R. Burleson (Eds.), *Handbook of communication and social interaction skills* (pp. 685-90). Mahwah: Lawrence Erlbaum Associates.

- Kilpatrick, S. D., Bissonnette, V. L., & Rusbult, C. R. (2002). Empathic accuracy and accommodative behavior among newly married couples. *Personal Relationships, 9*, 369-393.
- Lippert, T., & Prager, K. J. (2001). Daily experiences of intimacy: A study of couples. *Personal Relationships, 8*, 283-298.
- Marston, P. J., Hecht, M. L., Manke, M. L., McDaniel, S., & Reeder, H. (1998). The subjective experience of intimacy, passion, and commitment in heterosexual loving relationships. *Personal Relationships, 5*, 15-30.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2003). The attachment behavioral system in adulthood: activation, psychodynamics, and interpersonal processes. In M. P. Zanna (Ed.), *Advances in experimental social psychology* (Vol. 35, pp. 53-152). San Diego, CA: Academic Press.
- Noller, P., & Feeney, G. A. (2002). Communication, relationship concerns, and satisfaction in early marriage. In A. L. Vangelisti, H. T. Reis, & M. A. Fitzpatrick (Eds.), *Stability and change in relationships* (pp. 129-155). Cambridge: Cambridge University Press.
- Olson, D. H., & Olson, A. K. (2000). *Empowering couples: Building on your strengths*. Minneapolis: Life Innovations.
- Prager, K. J. (1986). Intimacy status: Its relationship to locus of control, self-disclosure, and anxiety in adults. *Personality and Social Psychology Bulletin, 12*, 91-109.
- Rogge, R. D., & Bradbury, T. N. (1999). Till violence does us part: The differing roles of communication and aggression in predicting adverse marital outcomes. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 67*, 340-351.
- Rust, J., Bennun, I., Crow, M., & Golombok, S. (1986). The Golombok-Rust Inventory of Marital State Questionnaire. *Sexual and Marital Therapy, 1*, 55-60.
- Sanderson, C. A., & Evans, S. M. (2001). Seeing one's partner through intimacy-colored glasses: An examination of the process underlying the intimacy goals-relationship satisfaction link. *Personality & Social Psychology Bulletin, 27*, 463-473.
- Schaefer, M. T., & Olson, D. H. (1981). Assessing intimacy: The PAIR inventory. *Journal of Marital and Family Therapy, 7*, 47-60.
- Stanley, S. M., Markman, H. J., & Whitton, S. W. (2002). Communication, conflict, and commitment: Insights on the foundations of relationship success from a national survey. *Family Process, 41*, 659-675.

- Thelen, M. H., Vander-Wal, J. S., Muir-Thomas, A. & Harmon, R. (2000). Fear of intimacy among dating couples. *Behavior Modification, 24*, 223-240.
- Thompson-Pope, S. K., & Turkat, I. D. (1993). Schizotypal, schizoid, paranoid, and avoidant personality disorders. In P. B. Sutker & H. E. Adams (Eds.), *Comprehensive handbook of psychopathology* (pp. 411-434). New York: Plenum Press.
- Timmerman, G. M. (1991). A concept analysis of intimacy. *Issues in Mental Health Nursing, 12*, 19-30.
- Vangelisti, A. L., Reis, H. T., & Fitzpatrick, M. A. (2002). *Stability and change in relationships*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Waldinger, R. J., Schulz, M. S., Hauer, S. T., & Allen, J. P. (2004). Reading others' emotions: The role of intuitive judgments in predicting marital satisfaction, quality, and stability. *Journal of Family Psychology, 18*, 58-71.
- Wilkie, J. R., Ferree, M. M., & Ratcliff, K. S. (1998). Gender and fairness: Marital satisfaction in two-earner couples. *Journal of Marriage and the Family, 60*, 577-594.
- Yum, Y., & Canary, D. J. (2003). Maintaining relationships in Korea and the United States: Features of Korean culture that affect relational maintenance beliefs and behaviors. In D. J. Canary & M. Dainton (Eds.), *Maintaining relationships through communication: Relational, contextual, and cultural variations* (pp. 277-296). Mahwah: Lawrence Erlbaum Associates.